

APAGA

Quarterly

آپاگا

فصلنامه

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی مطالعات شرق شناسی ، ایرانشناسی و ارمنی شناسی
An International Journal of Oriental Studies



Yeprem Khan (front row, right) with Sardar-e Baradur and Major Haase in Tehran, 1911

ISSN 1682-5438

شماره ۷۲ زمستان (اسفند) ۱۳۹۶

No. 72, March 2018

آپاگا فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی

شماره ۷۲ زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت www.ApagaOnline.com و www.apagamonthly.4t.com

apaga98@hotmail.com

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

فهرست

فارسی جامعه ارمنی در ایران - جنبش مشروطه

ارمنی ارمنی شناسی در آمریکای لاتین

انگلیسی حکومت ترور و وحشت - یاری رسانی

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

جنبش مشروطه و ارمنیان ایران

ادیک باغدا ساریان

در سالهای پایانی سده ۱۹ و آغاز سده ۲۰ ارمنیان در آذربایجان، گیلان، مازندران، اصفهان، خوزستان، اراک، خراسان، تهران و چند ناحیه دیگر می زیستند. شمار آنان در اواخر سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰ بدین ترتیب بوده است:

در ۱۸۵۱ تعداد ۲۰،۰۰۰ نفر^۱

در ۱۸۹۰ تعداد ۸۰،۰۰۰ نفر^۲

در ۱۹۱۴ تعداد ۸۰،۰۰۰ نفر^۳

بر اساس یک منبع دیگر تعداد ارمنیان در فاصله سالهای ۱۹۱۷-۱۸۷۰ بین ۲۰۰،۰۰۰-۱۵۰،۰۰۰ نفر بود که البته این آمار اغراق آمیز است^۴.

در دوره یاد شده دو حوزه اسقفی ارمنی در ایران وجود داشت، یکی حوزه آذربایجان که تا سال ۱۸۳۳ مرکز آن کلیسای وانک تادئوس مقدس (قره کلیسا) بود سپس به تبریز منتقل شد و دیگری که در جلفای اصفهان قرار داشت و در سال ۱۶۰۶ تاسیس شد. حوزه آذربایجان مناطق شمال غربی کشور را تحت پوشش داشت و حوزه جلفای اصفهان سایر مناطق ارمنی نشین ایران و هندوستان، افغانستان و شرق دور را شامل می شد.

^۱ - دانشنامه بزرگ ارمنی شوروی. جلد ۴، ص ۴۵۱.

^۲ - نازار گوریانتس، ارمنیان ایران، تهران: ۱۹۶۸، ص ۲۷.

^۳ - هایک گاراگاش. سالنامه ارمنیان ایران. تهران: ۱۹۲۷، ص ۵۲.

^۴ - تاریخ ارمنستان. جلد ۶، ص ۷۱۱.

از اواخر سده ۱۹ زندگی اجتماعی و سیاسی ارمنیان ایران فعال تر شد. در سال های ۱۸۸۹ و دهه ۱۸۹۰ حزب **آرمناکان** در سلماس فعالیت می کرد و مراکزی در هفتوان و مهلم داشت. فعالیت آنها عمدتاً شامل تبلیغات بود. رهبر آنان م. آودسیان مدیر آموزش منطقه ای سلماس بود. این حزب تشکیلات منظم نداشت و پس از رویدادهای ۹۶-۱۸۹۵ و شهادت مگردیچ آودسیان منحل شد.

از سالهای نخست دهه ۱۸۹۰ کمیته های محلی حزب **دانشاک** در آذربایجان (تبریز، سلماس، خوی، ارومیه، قره داغ) سپس در گیلان (انزلی، رشت، آستارا) آنگاه در تهران، جلفای اصفهان آغاز به کار کردند. آنان تحت عنوان آموزگاران و کشیشان، خدمه، تجار و زوآر از قفقاز به ایران می آمدند. اولین فعالان و رهبران دانشاک در ناحیه سلماس در صومعه معروف **دریک** آغاز به فعالیت کردند. افرادی چون موسس ایشخانیان، تیگران اسپانیان، نیکول دومان، هوسپ آرغوتیان، کارو و دیگران جزو آنان بودند.^۵

حزب دیگر ارمنی حزب **هنچاک** بود که در تبریز، رشت، تهران و برخی دیگر جاها فعالیت می کرد و چهره های مشهور آنان گئوگ چیلینگاریان، گریگور یغیکیان، پزشکیان (پدر هایک پزشکیان از فرماندهان بعدی ارتش سرخ) و دیگران بودند.

سپس در سالهای ۱۹۰۸-۱۹۰۹ حزب **سوسیال دموکرات ایران** (ابتدا در تبریز) تشکیل شد که ارمنیان در آن شرکت کردند. از جمله رهبران آن عبارت بودند از آرشاور چیلینگاریان، داویت نازاربیگان، سدراک بانوریان، هوسپ قاراخانیان، تیگران درویش (هاکوپیان) و دیگران که پایه گذاران حزب در تبریز بودند.^۶

در دوران فعال جنبش آزادیبخش ملی ارمنی شهرهای یاد شده بویژه **وانک نادئوس مقدس** و **صومعه دریک** مرکز اصلی عملیات پارتیزانی فدائیان ارمنی بودند که بخاطر نزدیکی به

^۵ - آندره آموریان. حزب دانشاک در ایران ۱۹۱۸-۱۸۹۰. تهران: ۱۹۵۰. ص ۱۵-۱۴. میکایل

واراندیان، تاریخ حزب دانشاک، جلد ۱، تهران ۱۹۸۱، ص ۱۴۱-۱۴۰.

^۶ - تاریخ ارمنستان. جلد ۶، ص ۷۱۳.

مرز ارمنستان غربی تحت اشغال ترکیه از آنجا به درون ترکیه رخنه کرده عملیات نظامی انجام می دادند.

متشاء جنبش مشروطیت ایران به اوایل سده ۱۹ مربوط می شود و در اثر روابط و مناسبات ایرانیان با اروپائیان ایجاد و بتدریج تقویت گردید. حکومت های ایران بویژه از سده ۱۶ به بعد تا اواسط سده ۱۹ ماهیت استبدادی پادشاهی داشت. از این دوره به بعد بویژه پس از قتل امیر کبیر وابستگی خارجی نیز به آن افزون گردید. گرچه شوربختی ملت ایران را باید یکی در تعصبات دینی پوسیده ایران باستان، دیگری یورش ویرانگرانه تارکان و ترکان و آنگاه باز شدن پای اروپائیان به این مملکت دانست، اما فرآیند ویرانگرانه دوران اخیر از زمانی آغاز شد که به اصطلاح جنبش مشروطه در ایران آغاز گردید.

در اثر پیوند ها و مناسبات نزدیک ایرانیان با اروپائیان بویژه در سده ۱۹ اندیشه تحویل نظام حکومت بر پایه مردم سالاری پدید آمد. اگر چه این اندیشه بسیار نیکو بود اما در عمل آنچه که بر پایه این اندیشه بعدها پیاده شد کلاً مملکت و ملت را به ورطه نیستی فرستاد. شوربختانه برخی از شخصیت ها و گروه های سیاسی ارمنی نیز در این مسیر نابودسازی همگام شدند. از آنجا که بحث تاریخ مشروطه ایران خارج از حوصله این اثر است، نگارنده بحث مفصل آن را به آینده واگذار می کند.

آنان که سردمداران جنبش مشروطه بودند کلاً در حول اهداف زیر تفکر و عمل می

کردند:

- اشاعه تمدن غربی و پیشرفت های نوین در ایران

- برپایی قانون در اساس حکومت

گر چه این اهداف زیبا به نظر می رسید اما بانیان آن که معماران تباهی بودند در عمل ایران را نه تنها به پیش نبردند بلکه آن را هم از گذشته و هم آینده بریده و با آنها بیگانه ساختند. این معماران تباهی گروه های مختلف فراموشخانه ای، جماعتهای سری فراماسونری یا به اصطلاح نادرست «بنایان آزاد» بودند که آزادی را به دار آویختند.

نگارنده از برخورد اندیشمندان و استادان دانشگاه (ناآگاه یا جیره خوار بیگانه) با جنبش مشروطه در شگفت است، کتابها و تزه‌های دکترها نوشتند و مجیز گوی استعمار شدند. یادآوری آنها چه سود که آنها بسیارند.

اولین اشخاص که اندیشه تحول حکومتی به شیوه غربی برآمدند میرزا صالح شیرازی و هفت نفر دانشجویان دیگر بودند که با نظر عباس میرزا جهت کسب تحصیلات غربی به انگلیس رفته و به جرگه فراماسونری پیوستند سپس سید جعفرخان سفیر ایران در انگلیس، آلمان و ترکیه و سپس میرزا ملکم خان ارمنی که فراموشخانه را در ایران تاسیس کرد، میرزا عسکرخان ارومی افشار که ۲۴ نوامبر سال ۱۸۰۸ به عضویت لژ فراماسونری اسکاتلند (*Philosophic Scottish Rite*) در آمده بعنوان نخستین فراماسون ایرانی شناخته شده است.

بر اساس «مجله فراماسونری» لندن (۲۸ ژوئن ۱۸۷۴)، اکثر درباریان قاجار فراماسون شده بودند.^۷

حدود ۹۰ انجمن و سازمان مخفی در جنبش مشروطه شرکت می کردند که عمدتاً تحت تاثیر فراماسون ها قرار داشتند. دو انجمن از آنها به ارمنیان ایرانی تعلق داشت، «انجمن ارمنی دانشکده های رشت» به ریاست پیرم داویدیان معروف به پیرم خان سردار، دیگری انجمن ارمنی ایرانی^۸.

بزرگترین رویداد تاریخ ایران در اوایل سده ۲۰ «انقلاب» سالهای ۱۹۱۱-۱۹۰۵ بود که تحت تاثیر شدید و موثر حکومت‌های بزرگ اروپایی و سازمان های مخوف و مخفی آنها و محافل فراماسونری از یک سو و انقلاب اول بورژوا-دموکراتیک روسیه قرار داشت.

در ژوئن ۱۹۰۶ حدود ۱۲،۰۰۰ نفر بعنوان اعتراض به حکومت صدراعظم عین الدوله به سفارت انگلیس پناهنده شدند. آنان برای تشکیل نیروهای ملی و مبارزه برای آزادی و استقلال به بیگانه متوسل شدند. همان اشتباه تاریخی که قرن هاست ارمنیان و ایرانیان در آن غوطه ور هستند.

^۷- اسماعیل رابین. فراموشخانه و فراماسونری در ایران. جلد ۱. تهران: ۱۳۵۷. ص ۱۲.

^۸- اسماعیل رابین. انجمن های سری در انقلاب مشروطه. تهران: ۱۳۵۵. ص ۱۶۲-۱۵۷.

مظفرالدین شاه روز ۵ اوت ۱۹۰۶ طی فرمانی درخواست مشروطه خواهان را پذیرفت. عین الدوله عزل و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله که چهارمین مشیرالدوله^۹ فراماسون بود به جای او صدراعظم گردید. هفتم اکتبر همان سال مجلس شورای ملی گشایش یافت، قانون اساسی تدوین گردید و ۳۰ دسامبر همان سال شاه آن را توشیح نمود. در اثر انقلاب مشروطه سازمان های انتخابی مردمی تشکیل شدند. (انجمن ها) گروه های نظامی فداییان و مجاهدان، شخصیت هایی چون ستارخان، باقرخان، پیرم خان ارمنی و کیری (آرشاک گاوافیان)، علی موسیو، حیدر عموغلی، محمد خیابانی و دیگران در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند.

مسئله جنبش های مشروطه ایران موضوع مورد بحث در حزب داشناک گردید. علی رغم اینکه هدف وجودی آن آزادی ارمنستان غربی از اشغال ترکیه عثمانی بود، در نهایت رهبری حزب تصمیمی گرفت به کمک همکاران فراماسون خود در این جنبش بپیوندد. دو نقطه نظر مطرح می گردد. «برخی فکر می کنند که شرکت حزب داشناک در جنبش مشروطه ایران باعث تضعیف نیروهای آن می شد که برای مبارزه برای آزادی ارمنستان غربی ضرورت داشت. اما دیگران معتقد بودند که باید در جنبش مشروطه شرکت کند»^{۱۰}. لیکن انتخاب هر یک از آنها هیچ تفاوتی با انتخاب دیگر نداشت زیرا همکاری با ترکان برای استقرار مشروطه در ترکیه در واقع همکاری با گروهی فراماسون یهودی ترک بود و در حالت انتخاب دوم نیز شرکت در یک انقلاب مشروطه فراماسونری تلقی می شد. در نهایت گروه و حزبی که خود زاده همان اندیشه بود هم در ایران و هم در ترکیه برای استقرار نظام مشروطه فراماسونری باید همکاری می کرد و در نهایت چنین هم شد و حزب در هر دو جبهه نیروهای خود را در اختیار همکاران مسلمان ایران و ترک یهودی که همه فراماسون بودند قرار داد و مزد خود را نیز گرفت، در ترکیه بیش از ۲ میلیون نفر را به کشتن داد و در ایران حتی یک نماینده ارمنی هم در مجلس اول نداشت.

بعدها هم که ارمنیان در مجلس شورای ملی دارای نماینده شدند تنها جنبه نمایشی داشت و اینها ملعبه دست حکام مخفی و آشکار حکومتی شدند.

^۹ - اسماعیل رایین. فراموشخانه. جلد اول. تهران: ۱۳۵۷. ص ۴۴۶.

^{۱۰} - آندره آموریان. «حزب داشناک در ایران». ۱۹۱۸-۱۸۹۲. تهران: ۱۹۵۰، ص ۵۵.

رستم یکی از بنیانگذاران حزب دانشک بر این باور کودکانه بود که در صورت کامیابی جنبش مشروطه در ایران به استقرار نظام مشروطه در ترکیه کمک خواهد کرد.

در پاییز ۱۹۰۶ کمیته محلی «ورژ» در تبریز جلسه ای در آن شهر تشکیل داد. شرکت کنندگان باید نظر رفقای خود را در این مورد اعلام می کردند. از رشت بیرم شرکت کرده بود و با دوستانش موافق این همکاری بود.^{۱۱}

واهان زاکاریان نماینده کمیته محلی «ورژ» تصمیم مثبت کمیته و این جلسه را به اطلاع چهارمین مجمع عمومی حزب دانشک (وین، فوریه ۱۹۰۷) می رساند. مجمع نیز تصمیم زیر را اتخاذ می کند:

«با توجه به اینکه جنبش فعلی ایران می تواند باعث بیداری اجتماعی مردم چه در ایران و چه در مشرق زمین گردد، گسترش آن چه از نظر بین المللی و چه از نظر ارمنیان مطلوب تشخیص داده می شود.

مجمع عمومی حزب، کمیته ها و اعضای حزب دانشک را در ایران موظف می نماید با تمام امکانات در گسترش این جنبش کمک کنند و روح مردمی-کارگری که از برنامه حزب دانشک ملهم می شود جهت بیداری ایرانیان در کالبد این جنبش بدمند»^{۱۲}.

مطرفالدین شاه قاجار روز ۸ ژانویه ۱۹۰۷ بدرود حیات گفت. ۱۹ ژانویه فرزندش محمد علی شاه جانشین وی گردید که با مشروطیت مخالف بود لذا تلاش نمود آن را لغو کند لذا دشمنی او و مجلس شورا تشدید یافت. هنگامی که شاه در ۲۸ فوریه ۱۹۰۸ از خیابان می گذشت بمبی منفجر می شود اما آسبیبی به او نمی رسد. نیروهای دولتی روز ۲۳ ژوئن مجلس را محاصره و آن را به توپ می بندند. انجمن های ولایتی نیز دچار چنین سرنوشتی می شوند. بین مردم ناآگاه و نیروهای جبار دولتی درگیری رخ می دهد. در همین زمان جنگ انقلابیون و نیروهای دولتی در تبریز آغاز شده بود. در آنجا جنبش را ستار خان و باقر خان رهبری می کردند اما نیروی کافی در اختیار نداشتند. در این شرایط بود که انقلابیون ارمنی، گرجی و آذری از قفقاز به کمک

^{۱۱} - همانجا.

^{۱۲} - «دروشاک»، ۱۹۷۰، شماره ۵. آندره آموریان، منبع یاد شده. ص ۵۵.

آنان آمدند از جمله لاسو مگلاذزه، سرگو ارژ نیکیدزه، واسو، لئو گامکر لیدزه و مارتین اهل تقلیس^{۱۳}.

به دستور کمیته بلشویکی باکو ۱۴۰ انقلابی ارمنی، آذری و گرجی به رهبری سرگو ارژنیکیدزه به ایران آمدند. قابل ذکر است که بطور کلی این ارمنیان ایرانی نبودند که در جنبش مشروطه شرکت کردند بلکه از بیرم خان گرفته و اکثر فداییان او از ارمنیان قفقاز و سایر مکان ها بود گرچه ارمنیان ایران هم نقش درجه دو داشتند. در مورد جزئیات امر در بخش اوضاع سیاسی- اجتماعی بحث خواهیم نمود.

مشروطه خواهان ایرانی تبریز از حزب داشناک کمک می خواهند و لذا ورود فداییان داشناک به آذربایجان آغاز می گردد. در مرحله اول از طریق جلفای قدیم بطور غیر قانونی از رود ارس عبور کرده به کلیسای وانک استپانوس می رسند اینها جومشود (جمشید) و مارتیروس چاروخیان، سپس سیمون اهل آلكساندرآپل، کارو اهل آرتامد آنگاه سرخوخه کری (آرشاک گاوافیان)، گورگن مارتینیان، نیکول گنجه ای، آرتم شاماخی، میخوی گنجه ای، هراچ و دیگر فداییان جمعا ۳۰ نفر به ایران وارد شدند. چند تن دیگر پیشتر در تبریز مستقر شده بودند. بعد از آنها افراد دیگری از جمله متخصصان تهیه بمب و اسلحه ساز وارد عمل شدند.

خود و رستم دسامبر ۱۹۰۷ برای انجام مذاکره و آشنایی با محافل با نفوذ وارد تهران می شود. در تهران هوسپ میرزایان بعنوان مترجم و شخصی آشنا با مسایل ایران او را همراهی می کند. از طرف ایرانیان افراد زیر در این مذاکره شرکت داشتند: وثوق الدوله (نایب رئیس مجلس)، مستشار الدوله (نماینده تبریز در مجلس). حاجی امین الضرب (نماینده تجار تهران در مجلس و یکی از ثروتمندترین افراد در ایران و تامین کننده مالی جنبش) حاجی معین التجار (ثروتمند و تامین کننده مالی جنبش)، حاجی میرزا ابراهیم آقا (نماینده تبریز و رهبر انجمن های انقلابی)، آقا سید تقی زاده (موثرترین عضو مجلس)^{۱۴}. غیر از این افراد که در مذاکره با رستم (نام اصلی

^{۱۳} - مارتین (جمشید) ترگالستیان. خاطرات چاپ نشده. آندره آموریان، منبع یاد شده. ص ۵۶.

^{۱۴} - همه این آقابان عضو لژ بیداری و جامع آدمیت بودند.

استپان زوریان) شرکت داشتند، آنها همکارانی نیز داشتند که عضو فراماسونری بودند: آقا سید عبدالله بهبهانی روحانی ارشد تهران و آقا سید محمد طباطبایی مجتهدین تهران. اولی در ۲۰ مارس سال ۱۹۰۵ وارد «انجمن مخفی اول» شد که سید محمد طباطبایی یکی از رهبران لژ فراماسونری بیداری آن را هدایت و رهبری می کرد^{۱۵}.

در طی ۵ جلسه این افراد با رستم و هوسپ میرزایان در ۳۰، ۳۱ دسامبر و ۲، ۳، ۴ ژانویه مسایل زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفتند:

«صورتجلسه:

۱- جریان طبیعی جنبش مشروطه در شرایط توطئه های شاه تا چه حد می تواند تامین

گردد؟

۲- چه امیدی برای خروج نیروهای نظامی ترکیه از خاک ایران وجود دارد و کمک ارمنیان به ایرانیان چگونه باید باشد؟ و آنها چگونه به ارمنیان یاری خواهند داد؟ مشروطه خواهان ایرانی چنین پاسخ می دهند:

۱- شاه تنها می تواند جریان جنبش را کند نماید ولی نمی تواند آن را نابود سازد.

۲- اگر دولت ترکیه آشکارا از تخلیه قوایش اجتناب ورزد، وقوع جنگ اجتناب

ناپذیر خواهد بود.

۳- حزب داشناک می تواند کمک زیادی به مشروطه خواهان دهد و با مناسباتی که

دارد از دادخواهی ایران جوان در اروپا بویژه در فرانسه دفاع کند و فرانسه وامی در اختیار ایران قرار دهد بدون اینکه به ضمانت روسیه نیاز باشد زیرا ایران ۳۰ میلیون به روسیه مقروض است»^{۱۶}.

اسماعیل رابین. فراموشخانه. تهران: ۱۳۵۷. جلد دوم، ص ۷۸، ۱۲۰، ۲۰۹، ۲۰۰، ۷۳، ۳۴۱، ۱۹۵، ۱۹۸، ۴۳۷، ۶۸۹، ۱۸۲، ۲۵۵، ۸۳، ۱۸۱، و جلد سوم، ص ۶۴۹.

^{۱۵} - همانجا. ج ۲، ص ۲۴۱ و ۲۴۴.

^{۱۶} - م. وارانیدیان. تاریخ حزب داشناک. جلد ۲، ص ۲۶۴.

جلسات طرفین در محیطی گرم و صمیمانه جریان داشت و رهبری طرف ایرانی قول های زیر را داد:

- ۱- تسهیل و تامین نقل و انتقال نیروهای ارمنی در ایران.
 - ۲- تسهیل انتقال اسلحه از خارج به ایران.
 - ۳- ایرانیان متعهد می شوند حقوق ملی ارمنیان را گسترش دهد.
 - ۴- ایرانیان متعهد می شوند اراضی «خاصه» (در باری) سلماس و حومه را به پناهندگان ارمنی اختصاص دهند.
- ایرانیان علاقمند بودند حزب داشناک یکی دو افسر ورزیده و چند متخصص برای استعمال مواد منفجره در هنگام جنگ در اختیار آنها قرار دهد»^{۱۷}.
- سپتامبر ۱۹۰۸ فداییان داشناک از جلفای قدیم وارد ایران شدند. در اوت همان سال نماینده کمیته مرکزی حزب وارد تبریز شده بود. انقلابیون به رهبری ستارخان و باقرخان، انقلابیون رشت به فرماندهی بیرم و علیقلی خان بختیاری از جنوب وارد تهران شدند (۲۹ ژوئن ۱۹۰۹) و پایتخت را تصرف نمودند. محمد علیشاه تاج و تخت را به فرزندش احمد شاه (۱۹۲۵-۱۹۰۹) سپرده عضدالملک را بعنوان نایب سلطنه منصوب نمود.
- بیرم خان بعنوان رئیس نظمی تعیین شد و مقام معاونت اول را به کری (آرشاک گاوافیان) داد.

بیرم اشارار را سرکوب نمود و خود در نزدیکی روستای شورجه در نزدیکی همدان هنگام جنگ با نیروهای ضد انقلابی سالار الدوله در ۶ ماه مه ۱۹۱۲ کشته شد. مجلس شورای ملی پس از مرگ به او لقب «سردار» داد^{۱۸}.

^{۱۷} - همانجا. ص ۲۶۵-۲۶۴.

^{۱۸} - حزب داشناک و جنبش مشروطه ایران. ص ۲۸. ه. المار، «بیرم»، تهران: ۱۹۶۴. ص ۵۸۴-

در طول جنگهای مشروطیت در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۰۸ تعداد ۵۵ نفر از فداییان ارمنی کشته شدند.^{۱۹}

^{۱۹} - اسماعیل رایین. پیرم خان سردار. تهران: ۱۳۵۵. ج ۲، ص ۵۱۷-۵۱۵.